
***The State of Communication Components of Good
Governance in Improving Social Security
(Using the Fuzzy Hierarchical Analysis Approach)***

*By: Ali Darabi, Ph.D.**

Abstract:

Good governance is one of the various models that scholars have proposed for governance. Special features of this approach made it difference from others. So, it's been considered and studied increasingly in recent decades. The present study was conducted to study and conceptually analyze the role of components of information and communication technologies good governance approach on improving social security. The main question of the present study is which of these components has the greatest role in strengthening social security? The research conducted by fuzzy hierarchical analysis (FAHP). Data were collected using a researcher-made questionnaire based on pairwise comparisons from a sample consisting of 13 experts in the field of media management (qualitative part) and 66 experts in management science and media management (quantitative part) in 1399. The results showed that information flows have the greatest impact on the development of security in Iran, followed by bilateral communication between people and government, and transparency of decisions.

Keywords: *Information and Communication Technology, Good Governance, Social Security, Access to Information Flows, Decision Transparency*

جایگاه مؤلفه‌های ارتباطی حکمرانی خوب در بهبود امنیت اجتماعی (با استفاده از رویکرد تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (Fuzzy AHP))

علی دارابی*

چکیده

در میان مدل‌های مختلفی که محققان برای اداره امور پیشنهاد کرده‌اند، رویکرد حکمرانی خوب است؛ این رویکرد از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را از دیگر رویکردها متمایز ساخته است. به همین سبب در چند دهه اخیر میزان مطالعات و توجه به آن به شکل فزاینده‌ای توسعه پیدا کرده است. مطالعه حاضر به منظور بررسی و تحلیل مفهومی نقش مؤلفه‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی رویکرد حکمرانی خوب بر بهبود امنیت اجتماعی انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این بوده که از میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب که مرتبط با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستند، کدامیک بیشترین نقش را در تقویت امنیت اجتماعی دارند؟ این پژوهش به روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) اجرا شده است. اطلاعات پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس مقایسه‌های زوجی از نمونه‌ای متشکل از ۱۳ کارشناس در حوزه مدیریت رسانه (بخش کیفی) و ۶۶ نفر از کارشناسان علوم مدیریت و مدیریت رسانه (بخش کمی) در سال ۱۳۹۹ جمع‌آوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بیشترین تأثیر بر توسعه امنیت در ایران، متعلق به دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی است. پس از آن، ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت و شفاف‌سازی تصمیمات قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، حکمرانی خوب، امنیت اجتماعی، دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی، شفاف‌سازی تصمیمات

مقدمه

امنیت، مفهومی است بسیار پیچیده که به‌عنوان مفهوم و واقعیتی اجتماعی، لایه‌های زیادی را به دور هسته اصلی خود دربر گرفته است. این چندلایگی در واقع بسیاری از متفکرین را به این نتیجه رهنمون کرده است که یافتن تعریف قطعی و بدون چون‌وچرا برای امنیت بسیار دشوار است و از این‌رو به ارائه تعاریف نسبی از آن مبادرت ورزیده‌اند. این تعاریف نسبی، گویای این واقعیت هستند که واقعیت امنیت را تنها می‌توان در بستر یک جامعه خاص، تعریف کرد و ارائه تعاریف انتزاعی و به‌ظاهر علمی ممکن است چندان کارآمد نباشد. هدف از امنیت اجتماعی، یا معنای امنیت اجتماعی، بیشتر از آنکه امری سیاسی - نظامی باشد، واقعیتی اجتماعی است که معمولاً ریشه در ویژگی‌های تاریخی یک جامعه یا برخی گروه‌های آن دارد (افتخاری، ۱۳۸۱). این واقعیت که حفظ ارزش‌های دیرین اجتماعی‌ای است که به ارث، به گروه‌های مختلف جامعه رسیده است. در امنیت اجتماعی، منافع عمومی وارد صحنه می‌شوند که بین دو واقعیت فرد و دولت قرار دارند. این منافع، قائم به وجود گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی است که هر کدام کلیت و واحدی خاص را تشکیل می‌دهند. گروه‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی، سنی، جنسی و ملی از جمله گروه‌هایی هستند که در این مقوله قرار می‌گیرند. امنیت اجتماعی نیز خودمحموری اساسی دارد به نام هویت، هویتی که بیشتر از آنکه فردی باشد، امری جمعی است. در فاصله میان فرد و دولت، گروه‌ها یا اجتماعاتی قرار دارند که خواهان امنیت اجتماعی و حفظ هستی و هویت خود هستند (کاظمی‌پور، ۱۳۷۶). به‌قول «ویور» تئوری امنیت اجتماعی بر هویت‌های جمعی و در مقیاس بزرگ مانند هویت‌های مذهبی و هویت‌های قومی متمرکز است که کارایی و وظایفی مستقل از دولت دارند. پس هویت مفهوم محوری امنیت، بر اجتماع تأکید دارد و زمانی مطرح می‌شود که جامعه یا گروه‌های خاصی نسبت به هویتشان احساس خطر کنند. بدین ترتیب، با روشن شدن مفهوم امنیت اجتماعی، ممکن است در سطوح مختلف به آن پرداخته شود. سطوحی که از گروه‌های بسیار کوچک شروع و به کل جامعه ختم می‌شود. در خردترین سطح این طیف امنیت اجتماعی، در معنای ساده آن، یعنی فقدان تهدید نسبت به هویت یک گروه کوچک قومی، مذهبی و ... همچنین در کلان‌ترین سطح، امنیت اجتماعی به معنای مصونیت جامعه در مقابل انواع تهدیدهای هویتی ناشی از فرایندهای

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

جهانی‌شدن، امریکایی شدن، غرب‌زدگی و ... است. لذا می‌توان گفت که در روزگار نوین و با توسعه روزافزون فناوری‌های ارتباطی، مفهوم امنیت نیز دچار مشکلات جدی شده است. تنوع رسانه‌ها و شرایط جهانی شدن، سبب شده‌اند که ارتباطات میان فرهنگی دامنه گسترده‌تری پیدا کند. در ایران، رسانه‌های داخلی و برون‌مرزی توسعه پیدا کرده‌اند؛ یکی از کارکردهای اصلی این رسانه‌ها توسعه ارتباطات میان فرهنگی است اما این میزان از توسعه فناورانه، الزاماً توسعه امنیت اجتماعی را در بر ندارد، بلکه می‌تواند اثرات معکوس هم در پی داشته باشد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی به حساب بیاید. از آنجاکه بخش قابل توجهی از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به واسطه حاکمیت به کشور وارد می‌شوند یا باید تحت نظارت آن فعالیت کنند و همچنین مفهوم امنیت اجتماعی نیز با دو مفهوم حکمرانی و فناوری نسبت وثیقی برقرار می‌کند. باید توجه داشت که واژه حکمرانی، مترادف با حکومت نیست. حکمرانی به‌عنوان یک مفهوم، به این امر که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومتی وجود دارد، اشاره می‌کند. مفهوم حکمرانی از جمله موضوعات میان‌رشته‌ای و وامدار رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و سیاست است. پژوهشگران این حوزه اغلب بر ایده‌های نسبتاً نوین مانند ماهیت متکثر قدرت و تکثیر آن میان سطوح دولتی و فرادولتی، تشویق و ترغیب تمرکززدایی از دولت و اتکای روزافزون بر اشکال گوناگون مشورت و مشارکت شهروندان، متمرکزند. در این معنا، حکمرانی از رهگذر نگرشی جدید و متفاوت، به مسئله محدود ساختن قدرت سنتی (که نوعاً ماهیت سلسله‌مراتبی دارد) و ایجاد تغییر در آن برای نیل به مدل‌های متنوع تصمیم‌گیری جمعی می‌پردازد. به دیگر سخن، پژوهشگران این حوزه معتقدند ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در انجام یک‌جانبه امور موجب ایجاد و بسط این مفهوم شده است. از این‌رو، با تفکیک حوزه‌های مختلف دولت و نیز ایجاد تمایز میان بخش خصوصی و بخش دولتی از یکسو و تمایز میان دولت و جامعه مدنی از دیگر سو، سعی در تغییر ساختار سنتی قدرت و افزودن بر وزن و تأثیرگذاری نهادهای موازی دولت در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها دارند. بر این اساس و به نظر ایشان قدرت مؤثر و مشروع، قدرتی است که از طریق مشارکت و منازعه نهادها و نیروهای متنوع در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و گاه جهانی به دست می‌آید (هبیتات، ۲۰۲۰: ۷).

پیشینه پژوهش

دماوندی کناری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش «تبیین امکانات و ابزارهای رسانه‌های جمعی بر شکل‌گیری حکمرانی خوب در جوامع در حال توسعه، با تأکید بر تجربیات جهانی»، با استفاده از الگوی کتابخانه‌ای جمع‌آوری اطلاعات و شیوه تجزیه و تحلیل بر مبنای توصیف تحلیلی، توانایی‌ها و عملکردهای رسانه‌های جمعی را بررسی و امکان‌سنجی و ارتباط دو مفهوم رسانه‌های جمعی و شکل‌گیری حکمرانی خوب را تبیین کرده‌اند.

هاشمی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش «نسبت‌سنجی حکمروایی خوب و شهروند هوشمند، مطالعه موردی: شهر تهران»، به سؤال چه نسبتی میان حکمرانی خوب و هوشمندسازی تهران وجود دارد، با به‌کارگیری شیوه توصیف تحلیلی پاسخ داده‌اند. نتایج نشان داده است که ایران هنوز نتوانسته است حتی در پایتخت - که مهم‌ترین کلان‌شهر آن به شمار می‌آید (به‌رغم نیازهایی که وجود دارد) - این پارادایم مدیریت کلان‌شهر را انتخاب و اجرا کند.

قلی‌پورسوته و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «طراحی مدل دولت الکترونیک در چارچوب اخلاقی حکمرانی خوب» انجام داده‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل گروهی از مدیران و کارکنان وزارت نفت است. ۱۷ تن از خبرگان بر اساس روش اشباع و نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داده ۱۰۲ مفهوم از میان ۹۲۳ مفهوم شناسایی شده‌اند. ۱۰۲ کد اولیه در قالب ۱۸ مقوله به دست آورند که عبارت‌اند از: ارزیابی و نظارت، اعتماد و امنیت عمومی، تعامل و ارتباطات، توسعه انسانی و اجتماعی، رضایتمندی، زیرساخت‌ها، سلامت اداری و سازمانی، سیاست‌گذاری، شفافیت و پاسخگویی، عدالت‌محوری، عزم و تعهد سازمانی، عوامل مالی، فناوری اطلاعات، کارایی و اثربخشی، کیفیت قوانین و مقررات، کیفیت خدمات الکترونیک، مدیریت روند بستر و اجرا و مشارکت‌جویی. نتایج نشان داده است که پایه‌ریزی ارزش‌های اخلاقی در مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌تواند عاملی مهم برای موفقیت دولت الکترونیک باشد.

جوامعی که حکمرانی خوب دارند، بر تمام عملکردهای سیستم نظاره‌گرند و از هرگونه پیشامدی که بخواهد امنیت را به خطر بیندازد، مانند فساد در چارچوب قوانین، رعایت نکردن حقوق، بی‌توجهی به سلامت جامعه و ... جلوگیری می‌کنند یا اگر رخدادی ناخواسته پیش بیاید در رفع آن تلاش می‌کنند. با توجه به تمام مباحث مطرح شده، از این‌روست که امنیت اجتماعی در جامعه

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

حاصل می‌شود. حال که در مواجهه با تغییرات جدید و پیشرفت فناوری‌ها قرار گرفته‌ایم، فناوری‌های اطلاعاتی می‌توانند برای پیشبرد منافع جامعه و وجود حکمرانی خوب مفید واقع شوند. پس ضرورت دارد، به بررسی جایگاه مؤلفه‌های حکمرانی خوب در پیشبرد امنیت اجتماعی بپردازیم و به این سؤال پاسخ دهیم که از میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب که مرتبط با فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی هستند، کدام‌یک بیشترین نقش را در تقویت امنیت اجتماعی دارند؟

امنیت اجتماعی

اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان^۱ برای اولین بار در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کاربرد. امنیت اجتماعی، تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج‌بعدی او به مقوله امنیت است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی؛ اما تمام ابعاد از جمله امنیت اجتماعی، بخش‌هایی از امنیت دولتی هستند. به‌عنوان مثال، جامعه تنها یکی از بخش‌هایی است که دولت ممکن است در آن مورد تهدید قرار گیرد (روی، ترجمه نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۹۲). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به‌بیان دیگر معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردند که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۴). به عقیده مولار^۲ امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهد (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۱).

برای آنکه امنیت به‌درستی در جامعه شکل بگیرد و مردم باور به امنیت حاصل شده توسط حکومت داشته باشند، لازم است در ابتدا نوعی حس اعتماد ایجاد شود.

گیدنز ریشه اعتماد را در اطمینان به اشخاص درستکار و معتبر می‌داند که به‌طور معمول از نخستین تجربیات کودک حاصل شده است. به نظر وی، در صورت نبود اعتماد، کنش افراد بر مبنای رویکردهای بدگمانی با خودداری است (گیدنز، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

در صورت نبود اعتماد، امنیتی نیز وجود نخواهد داشت. در واقع به عقیده بوزان ممکن است تهدیداتی که امنیت اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، زمانی روی دهند که جوامع به این نتیجه برسند در شرایطی خاص، هویت «ما»

1. Barry Buzan

2. Moller

مورد تعرض و خطر واقع شده است. عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز و بیان خود، تنوع داشته باشند (روی، ترجمه نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۹۴). به همین دلیل است که می‌توان گفت امنیت و اعتماد با یکدیگر رابطه تنگاتنگ دارند و به‌واسطه این دو می‌توان به یک حکمرانی خوب در کشور و جامعه مورد نظر رسید.

تالکوت پارسونز: در نظریه کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز دو وجه از اهمیت خاصی برخوردار هستند. یکی ساخت و دیگری کارکرد. برای آنکه یک نظام اجتماعی بتواند به حیات خود ادامه دهد، لازم است از ساختاری بهره‌گیرد که توان برآوردن چهار کارکرد ضروری را داشته باشد. ساختار نظام اجتماعی از آن جهت مورد ملاحظه قرار می‌گیرد که با تحلیل کارکرد آن بتواند چگونگی برآورده شدن نیازهای اجتماعی آن را تبیین نمود. در این روند، جامعه نیز با استفاده از ساختارهای نهادمند پاسخگوی چهار کارکرد ضروری است. هرچه تفکیک حوزه کارکردی نهادها مشخص‌تر و مرز فعالیت آنان تعریف شده‌تر باشد، احتمال برآورده شدن نیازها بیشتر خواهد بود؛ بنابراین از این دیدگاه، تفکیک ساختار پیش‌شرط تأمین کارکردهای اساسی نظام اجتماعی خواهد بود. اعتماد، اطمینان، همکاری و همیاری از جمله شاخص‌های امنیت هستند که اگر در افراد جامعه درونی نشده باشند، تحقق اجبارگونه امنیت با توسل به زور و قدرت موجب تأمین امنیت و بهره‌مندی اعضای جامعه از امنیت نخواهد شد. درواقع امنیت نیازمند یک بستر رشد و زایش است. افراد باید به حقوق دیگران احترام بگذارند و از تعدی و تجاوز به دیگران ممانعت کنند.

جیمز کلمن: سرمایه اجتماعی مانند سایر اشکال سرمایه، مولد است و دستیابی به اهداف خاص را که بدون آن امکان‌پذیر نیست، ممکن می‌سازد به‌رغم سایر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی، در ذات روابط بین کنشگران است نه در خود کنشگران یا ابزار فیزیکی تولید (کلمن^۱، ۲۰۰۲: ۱۱۰). امنیت اجتماعی از نتایج فرعی جامعه مدنی است که در شرایط وجود سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. تشکلهای در شرایطی تأمین‌کننده امنیت اجتماعی هستند که عاری از روابط سلسله‌مراتبی و توزیع نابرابر قدرت میان اعضای آن باشند و رابط ارگانیک با سایر اجزای نظام اجتماعی داشته باشند (شفیعی و محقر، ۱۳۸۴: ۱۴).

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

یورگن هابرماس: یورگن هابرماس، نظریه‌پرداز انتقادی مکتب فرانکفورت، در نظریه کنش ارتباطی، نظریه جامعه را به الگوی ارتباطات منتقل می‌کند. وی شهروندی را پایه اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی تعریف و تبیین کرده است. بنا بر نظر وی، همه اعضای جامعه باید در نهادهای حکومتی خود مشارکت نمایند و به آن وفادار باشند. به نظر می‌رسد، گسترش و بسط گفتمان عقلانی و گسترش همگانی در قالب تشکلهای و نهادهای مختلف راهی به سوی شهروندی خواهد بود. انواع گوناگون سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی جزء جدایی‌ناپذیر آگاهی شهروندان درباره مسائل روز و بستری مناسب برای بیان دیدگاه‌های گوناگون طرح عقاید و نگرش‌ها درباره موضوعات و مسائل مورد بحث و اختلاف در جامعه محسوب می‌شوند. در نتیجه برای تحقق نظم و امنیت در مفهوم شهروندی، تقویت جامعه مدنی و نهادهای مدنی، عرصه عمومی و استفاده از رسانه ضرورتی همیشگی و اجتناب‌ناپذیر است (قوام و دهقان‌شاد، ۱۳۸۹: ۳).

حکمرانی خوب

این واژه را اولین بار در سال ۱۹۷۹ اقتصاددانی به نام ویلیامسون در ادبیات اقتصادی برای بیان وضعیت ایده‌آل در رابط میان دولت و بازار مطرح کرد؛ اما از سال ۱۹۸۰ این اصطلاح در پژوهش‌های دیگر علوم نیز بیشتر دیده شد، رواج این اصطلاح تا بدان پایه بود که بانک جهانی گزارش سالانه خود در سال ۱۹۸۹ را به حکمرانی خوب اختصاص داد (مالدونادو، ۲۰۱۰: ۲۰). شاید در آن زمان کمتر کسی تصور می‌کرد که حکمرانی خوب جایگاهی تا به این درجه منحصره‌فرد در ادبیات توسعه پیدا کند.

حکمرانی خوب مردم را صاحبان حق می‌داند که قدرت و اعمال اقتدار را به دولت واگذار می‌کنند تا با حکمرانی خوب، بهزیستی عمومی، توسعه پایدار انسانی و رضایت مادی و معنوی را به حداکثر برساند و از حقوق اساسی آنها از قبیل آزادی و گسترش دامنه انتخاب‌ها، حمایت کند. بنابراین تعریفی که از حکمرانی خوب شده است، موضوع و محور حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد (دوله و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

حکمرانی خوب هشت مشخصه اصلی دارد: مشارکتی، اجماع‌محور، مسئولیت‌پذیر، شفاف، پاسخگو، اثربخش و کارا، منصفانه و همه‌گیر و پیرو

حکومت قانون. این شکل حکمرانی، باعث می‌شود که فساد به حداقل ممکن کاهش یابد، دیدگاه‌های اقلیت‌ها به حساب آورده شود و صدای اقشار آسیب‌پذیر، در تصمیم‌گیری شنیده و نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ گفته شود (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۲). علاوه بر آن هشت مشخصه، بانک جهانی حکمرانی خوب را با شش شاخص تعریف می‌کند: ۱. پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر؛ ۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت؛ ۳. اثربخشی حکومت؛ ۴. کیفیت قوانین؛ ۵. حاکمیت قانون و ۶. کنترل فساد (کافمن^۱ و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۷).

۱. حق اعتراض و پاسخ‌گویی^۲: مفهوم این شاخص، تغییر منظم دولت‌ها، نظام حقوقی شفاف و عادلانه، توزیع برابر فرصت‌ها، میزان آگاهی صاحبان کسب‌وکار و تغییر و بازمهندسی در قوانین و رویه‌ها.

۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت^۳: این شاخص عبارت است از میزان آشوب‌های شهری، کودتا، ترورها و اعدام‌های سیاسی، ناآرامی‌های اجتماعی، تنش‌های قومی، تدابیر قهری برای حفظ قدرت، قطبی شدن طیف‌های سیاسی، نزاع‌های اجتماعی و اعتصاب‌ها.

۳. بار مقررات^۴: این شاخص درباره مواردی چون میزان مداخله دولت در اقتصاد، نحوه کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، میزان و کیفیت موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، گستره مداخله دولت در نظام مالی، حجم مقررات دست و پاگیر صادرات و واردات، میزان اثربخشی سیاست‌های ضدانحصار و سایر مقررات اضافی قابل ذکر است.

۴. حاکمیت قانون^۵: این شاخص با گزینه‌هایی چون هزینه‌های تحمیل شده به دولت‌ها به واسطه جرم و جنایت در جامعه، کیفیت اجرای قراردادهای خصوصی و دولتی، میزان اعتماد مردم به مسئولان در حفظ دارایی‌ها و میزان ثروت آنها، ظرفیت بخش خصوصی در اقامه دعوی علیه حکومت، میزان اعتمادبخش خصوصی به نظام قضایی و سرانجام کارایی نیروهای امنیتی در ایجاد امنیت برای شهروندان قابل اندازه‌گیری است.

۵. مبارزه با فساد^۶: این شاخص نیز میزان فساد در میان مقامات رسمی، شیوع فساد در نظام سیاسی به‌منزله تهدید علیه سرمایه‌گذاری خارجی، تأثیر فساد بر جذابیت کشور برای فعالیت اقتصادی، فراوانی فساد در میان مقامات عمومی و شیوع پرداخت رشوه برای اخذ مجوزهای اقتصادی را اندازه می‌گیرد.

1. Kaufman

2. Voice and accountability

3. political and violence instability

4. Regulatory Burden

5. Rule of Law

6. Corruption

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

۶. اثربخشی دولت^۱: آخرین شاخص نیز مفاهیمی چون سیاست‌گذاری به نفع کسب‌وکار، کارایی نهادی دولتی، کیفیت کارکنان دولت، توانایی دولت در اجرای برنامه‌های خود، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و غیره را در برمی‌گیرد (صوفی مجیدپور، ۱۳۸۳: ۱۲).

به‌واقع امر حکمرانی خوب، مبین نوعی تغییر نگرش در زمینه نقش دولت و حکومت‌هاست. حکمرانی خوب اشاره به مشارکت یکسان و برابر تمام شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری است. به‌عبارت‌دیگر، حکمرانی خوب مترادف با شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقای تساوی افراد در برابر قانون است. حکمرانی خوب بنا بر ماهیت روایتی با انتهای باز محسوب می‌شود. به‌جرت می‌توان ادعا کرد که در آینده ابعاد جدیدی به این مفهوم اضافه خواهد شد؛ اما آنچه اکنون و در بحث از حکمرانی خوب مطرح است، اغلب در سه بعد معنا و تعیین می‌یابد:

- حکمرانی خوب به‌مثابه ارتباطات دوجانبه، حمایتی و واجد تشریک‌مساعی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی؛
- حکمرانی خوب بر اساس اصول مشارکت، شفاف‌سازی تصمیمات، پاسخگویی، تساوی در برابر قانون، پیش‌بینی‌پذیری، فعالیت‌های مردم‌سالارانه، آزادی‌های مدنی و دسترسی به جریان اطلاعات؛
- حکمرانی خوب به معنای مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها. ارزش‌هایی که هدف نهایی نهادها، سازمان‌های دولتی و سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌آیند (چیو^۲، ۲۰۰۴: ۴۰۳).

شاخص‌های مورد استفاده برای مفصل‌بندی مفهوم حکمرانی خوب طیف نسبتاً گسترده اما درعین‌حال مشخصی را شامل می‌شوند. به‌طور معمول و بر اساس مجموعه‌ای از بررسی‌ها در این زمینه، میزان مشارکت، وضعیت برون‌دادهای بخش دولتی، درجه و کیفیت توسعه اجتماعی و در نهایت وضعیت سیستم اقتصادی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی در نظر گرفته شده‌اند. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش این مؤلفه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: آزادی و ثبات سیاسی، کارکرد دستگاه قضایی، سیستم بوروکراتیک و درجه فساد، مجموعه شاخص‌های توسعه انسانی، تخصیص عاقلانه ارزش‌ها، توجه به ساخت بخش غیردولتی، میزان و درجه استقلال بانک مرکزی، نرخ سود نسبت به سرمایه‌گذاری و ... (هوتر^۳ و شاه^۴، ۱۹۹۸: ۶). به‌طور کلی و چنانچه از بررسی

1. Governance Effectiveness

2. Chiu

3. Huther

4. Shah

متون متنوع تفسیرکننده اعلامیه‌های فوق برمی‌آید، مؤلفه‌های ثابت حکمرانی خوب که تقریباً در همه تعاریف وجود دارند عبارت‌اند از: مشارکت، اجماع محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، جامعیت و نبود تبعیض میان شهروندان و در نهایت حاکمیت قانون. در عصر حاضر حکمرانی خوب برای آنکه بتواند با توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که مطرح می‌کنند، به‌درستی به اجرا دربیاید و خودش را به نمایش بگذارد، از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی استفاده می‌کند.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

در سال‌های اخیر رشد سریع فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تأثیر بسیار مهمی در زندگی بشر و کارکرد سازمان‌ها و مؤسسات در کشورهای مختلف داشته است. به اعتقاد صاحب‌نظران همان‌گونه که اختراع ماشین بخار و وقوع انقلاب صنعتی موجب تحولات عظیم در زندگی کاری و شخصی افراد گردید، انقلاب ارتباطات هم به‌طور مشابه دگرگونی‌هایی را در زندگی آدمی به همراه داشت (لورین^۱ و اریک^۲، ۲۰۱۷). به مدد رسانه‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، جهان به دهکده‌ای مبدل شده که اطلاعات و رسانه‌ها، سیستم‌های عصبی و اجزای این دهکده را به هم متصل ساخته‌اند. فناوری اطلاعات و ارتباطات مجموعه وسیعی از فناوری‌ها (اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی، رایانه‌های خانگی و ویدئو) است که برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها (فرستادن و دریافت انواع پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) و نیز برای تولید، انتشار، ذخیره و بازیابی اطلاعات به کار می‌رود (رضایی، ۱۳۹۸).

سیاست به‌مثابه شهروندان (جامعه مدنی اطلاعاتی)^۳

جامعه مدنی به تعریف پیتر دالگرن^۴ از لحاظ نهادین مرکب از عناصری است: گستره خصوصی (به‌ویژه نهاد خانواده)؛ گستره تشکلی (به‌ویژه تشکلی‌های داوطلبانه)؛ جنبش اجتماعی (با تأکید بر اهمیت سیاسی آنها)، شکل‌های متعدد ارتباطات عمومی (دالگرن، ترجمه شفقتی، ۱۳۸۵: ۲۱۰). در سیاست عصر اطلاعات، امکانات لازم برای سیاست‌ورزی عمل‌گرایانه مستقیم شهروندی، بر مبنای احساس تعهد سیاسی نسبت به موضوعات قدرت سازنده ایجابی (هابز) و قدرت سلبی مقاومتی (لاک) شکل گرفته است. رسانه، ماهواره و اینترنت، فضای سایبری را به وجود آورده است که در آن ظرفیت‌های مثبت دموکراسی از

1. Lorin
2. Erick

3. Information Civil Society
4. Peter Dahlgren

قالب سنتی خود خارج شده است (مازار، ۲۰۰۲: ۸). این فرایند به ایجاد فضای دموکراسی دیجیتالی به صورت شهروندان توانمند و مشارکت مستقیم در امر سیاست کمک کرده است (کوهن، ترجمه کاووسی، ۱۳۸۳: ۵۹؛ کین، ترجمه شاه‌رکنی، ۱۳۸۳: ۱۶۸ و مور، ترجمه زکوت روشندل، ۱۳۸۳: ۹۰).

میشل مازار می‌گوید: با وقوع انقلاب اطلاعات گروه‌های ریز ملی فعال شده و فرایند دموکرات شدن شتاب پیدا می‌کند. او گسترش اینترنت را به تشدید روند جهانی شدن پیوند می‌زند (مازار^۱، ۲۰۰۲: ۵-۳).

فناوری اطلاعات امکانات وسیعی را برای دموکراسی، جامعه مدنی و مشارکت مستقیم شهروندان در جهت ایجاد کنش ارتباطی به منظور خلق الگوهای تعاملی گفتمانی فراهم نمود (کین، ترجمه شاه رکنی، ۱۳۸۳: ۱۹۰). امکاناتی که در مباحث دفاع از تجدد هابرماس و دموکراسی مستقیم عمل‌گرای آرنست فراهم نبود و آن‌ها را غیرعملی می‌کرد (هابرماس، ترجمه محمدی، ۱۳۸۶: ۵۰-۴۰).

دولت و فناوری اطلاعات و ارتباطات

در قرن بیستم شاهد رشد اندازه دولت‌ها در جهان غرب تا چیزی بین ۴۰ تا ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی بوده‌ایم. کوچک بودن اندازه دولت در دوران گذشته، به این سبب بود که فناوری لازم برای پشتیبانی از دولت بزرگ وجود نداشت. به عبارتی دیگر، دولت بزرگ به دلایل طرف تقاضا می‌تواند همواره امکان وقوع داشته باشد، اما تنها در قرن بیستم بود که دولت بزرگ در مقیاس ملی پدید آمد. بازه زمانی ۱۸۸۰ تا ۱۹۴۰، تغییرات فناورانه زیادی را به همراه داشت. از جمله می‌توان حمل و نقل (اتومبیل، هواپیما، راه‌آهن)، تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون، ارتباطات، مدیریت، فناوری‌های وصول مالیات و غیره را نام برد. حمل و نقل اجازه می‌دهد تا فرمان‌های اداری منتشرشده با هزینه‌ای به نسبت پایین توزیع و ارسال شوند.

در مجموع هیچ‌یک از این پیشرفت‌های فناورانه یگانه علت بزرگ شدن دولت نبوده است. به بیانی گویاتر، دقیقاً زمانی که رشد دولت در بیش‌تر سرزمین‌های غرب آغاز می‌شود. به علاوه فناوری، موجب بزرگ شدن دولت‌ها در سراسر جهان شده است. امروزه کشورهایی که بهره‌ای پایین از فناوری دارند، یعنی فقیرترین ملل، دولت‌هایشان بیشتر شبیه حکومت‌های قدیمی هستند. این دولت‌ها ممکن است بی‌نهایت فاسد یا ویرانگر باشند؛ اما عموماً سهم

1. Mazarr

زیادی از تولید ناخالص داخلی را در اختیار ندارند. فناوری‌های جدید امکانات بیش‌تری را برای آزادی پدید می‌آورند. برای نمونه فضای مجازی، فناوری‌های پنهان کردن هویت در اینترنت و مهندسی ژنتیک و غیره ممکن است روزی به دولت بزرگ روی خوش‌نشان ندهند. گفته می‌شود پیش‌بینی فناوری‌های آینده و تأثیرات آنها به نحو بارزی دشوار است؛ بنابراین، باید در نتیجه‌گیری محتاط باشیم. فناوری‌های آینده ممکن است نقش دولت در جامعه را افزایش یا کاهش دهند. فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز در زمره فناوری‌های اخیر قرار می‌گیرد و از این قاعده مستثنا نیست.

چارچوب نظری

بحث‌های نظری صورت گرفته در زمینه دولت‌های ضعیف بر دو ویژگی جوامع مواجه با آن تأکید دارند: روی نخست سکه، ضعف ساختاری، ناتوانی نهادی، نبود انسجام درون ساختار دولتی، فساد نهادینه، حامی‌پروری، فقدان استقلال نهادی و تأثیرپذیری شدید از محیط بیرونی، بی‌اعتباری قوانین و دستورالعمل‌ها و تداوم ویژگی‌های پاتریمونیالی است که طبعاً تأثیر مهمی در کاهش توان دولت برای تحقق حق حاکمیت خود دارد. رویه دوم، قضیه وجود ویژگی‌های خاصی در ساختار اجتماعی این جوامع است که نتیجه آن وجود یک جامعه قوی و نفوذناپذیر در مقابل اعمال حق حاکمیت دولتی است. ویژگی‌هایی چون وجود شکاف‌های متنوع اجتماعی، گروه‌بندی‌های به‌شدت متعارض، وجود همبستگی‌های درون‌گروهی شدید در متن جامعه حول هویت‌های قبیله‌ای، قومی، محلی، دینی، عدم شکل‌گیری و تثبیت هویت ملی و در نهایت تمایل به حفظ خودمختاری‌های منطقه‌ای و محلی. به این معنا ضعف دولت در مقابل قوت جامعه قرار می‌گیرد و این دو ویژگی این جوامع، همدیگر را به نحوی متقابل بازتولید و تشدید می‌کنند. این حالت، جوامع را دارای استعداد دائمی برای غلتیدن به دامان وضعیت جنگ داخلی و بی‌ثباتی‌های پایدار می‌کند. مباحث نظریه‌پردازان مکتب نوسازی درباره بحران نفوذ، بحث‌های ساموئل هانتینگتون در زمینه ضعف نهادینگی در کشورهای در حال دگرگونی (ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۳)، مباحث گونار میردال در مورد دولت متزلزل به‌عنوان اصلی‌ترین مانع تحقق برنامه‌های توسعه در جوامع در حال توسعه (۱۳۶۲) و در نهایت مباحث گوران هایدن در مورد دولت مسئله‌دار در آفریقا (هایدن^۱، ۲۰۰۶: ۵۰) همگی در پی

1. Hyden

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

تبیین شکلی از دولت در جهان سوم هستند که در مقابل ساختار پراکنده و نفوذناپذیر جامعه، از توان و ظرفیت حکمرانی اندکی برخوردار است و همین ضعف مانع اصلی طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه در این کشورهاست. از این رو، یک کشور، به خصوص جامعه ایرانی، برای آنکه بتواند موانع پیشرفت را برطرف کند تا از تزلزل خود جلوگیری نماید و از آن طریق امنیت اجتماعی را به ارمغان بیاورد، باید بحث شفافیت را در کارهای خود ملزوم بدارد و شهروندان خود را در آن دخیل کند. آنچه از نظریه‌ها به دست آمد این است که مؤلفه‌های ثابت حکمرانی خوب که تقریباً در همه تعاریف وجود دارند، عبارت‌اند از: مشارکت، اجماع‌محوری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، کارآیی و اثربخشی، جامعیت و نبود تبعیض میان شهروندان و در نهایت حاکمیت قانون. به همین دلیل در این پژوهش از سه معیار و مؤلفه استفاده شده است که شامل: ارتباط دوجانبه بین مردم و دولت، دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی و شفاف‌سازی تصمیمات است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) اجرا شده است. اطلاعات پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس مقایسه‌های زوجی از نمونه‌ای متشکل از ۱۳ کارشناس در حوزه مدیریت رسانه (بخش کیفی) و ۶۶ نفر از کارشناسان علوم مدیریت و مدیریت رسانه (بخش کمی) در سال ۱۳۹۹ جمع‌آوری شده است. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی را برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ توماس ال ساعتی^۱ مطرح کرد (۱۹۹۷)؛ این تحلیل بر پایه تصمیم‌گیری بر اساس مقایسه‌های زوجی استوار است. AHP شامل پنج مرحله اساسی است: ۱. بیان و تعریف روشن مسئله، ۲. تشکیل ساختار سلسله‌مراتبی، ۳. مقایسه زوجی بین عناصر تصمیم توسط مقیاس‌های مقایسه‌ای، ۴. استفاده از مقادیر ویژه ماتریس مقایسات برای تخمین وزن‌های نسبی عناصر تصمیم، ۵. کنترل معیار سازگاری مقیاس‌ها جهت اطمینان از انسجام قضاوت‌های تصمیم‌گیرندگان (نیازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

پس از تعیین معیارها و گزینه‌ها، آنها طبق ارزش‌گذاری ساعتی دوبه‌دو باهم مقایسه می‌شوند که در جدول ۱ نمایش داده شده است. سپس باید این نظریات را به یک نظر واحد تبدیل کرد تا بر اساس آن تصمیم بهینه حاصل آید. مناسب‌ترین روش برای این کار استفاده از میانگین هندسی است. در این

1. Thomas L. Saaty

روش، میانگین هندسی عناصر هر سطر محاسبه و سپس بردار حاصل، نرمالیزه می‌شود تا بردار وزن به دست آید. سپس از هر سطر میانگین موزون گرفته می‌شود. مقادیر حاصل از میانگین موزون نشان‌دهنده اولویت هر متغیر است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

جدول ۱. ترجیحات (قضاوت شفاهی) به کاررفته برای وزن‌دهی نسبی
به معیارها در روش AHP

Table 1. Preferences (oral judgment) used for relative weighting of criteria in AHP method

توضیح Description	وضعیت مقایسه i نسبت به j Comparison status of i with j	ارزش ترجیحی Preferred value
گزینه یا معیار i نسبت به j اهمیت برابر دارند و یا نسبت به هم برتری ندارند.	بدون اولویت Preferred Equally	1
گزینه یا معیار i نسبت به j کمی مهم‌تر است.	اولویت اندک Preferred moderately	3
گزینه یا معیار i نسبت به j مهم‌تر است.	خیلی مرجح Preferred Strongly	5
گزینه یا معیار i دارای برتری خیلی بیشتری نسبت به j است.	اولویت زیاد Very Strongly Preferred	7
گزینه یا معیار i کاملاً از j مهم‌تر است.	اولویت کامل Extremely Preferred	9
ارزش‌های میانی بین ارزش‌های ترجیحی را نشان می‌دهد.	بینابین SO SO	2, 4, 6, 8

نرخ سازگاری

برای هر ماتریس که حاصل تقسیم شاخص ناسازگاری (I.I)، بر شاخص ناسازگاری ماتریس تصادفی (I.I.R)^۲ است، هم بعدش که در جدول ۲ آمده است، معیار مناسبی برای قضاوت در مورد ناسازگاری آن ماتریس است که آن را نرخ ناسازگاری (I.R)^۳ می‌نامیم. چنانچه این عدد کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ باشد، سازگاری سیستم قابل قبول است وگرنه باید در قضاوت‌ها تجدیدنظر نمود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

1. Inconsistency Index

3. Inconsistency Rate

2. Inconsistency Index Random matrix

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

جدول ۲. شاخص ناسازگاری ماتریس‌های تصادفی

Table 2. Random matrix incompatibility index

n	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
I.I.R	0	0	0.58	0.9	1.12	1.24	1.32	1.41	1.45	1.45

طریقه محاسبه شاخص و نرخ سازگاری در فرمول‌های زیر ارائه شده است.

شاخص ناسازگاری:

$$I.I = \frac{\lambda_{\max} - n}{n - 1}$$

نرخ سازگاری:

$$I.R = \frac{I.I}{I.I.R}$$

که برای هر ماتریس مقایسه زوجی A داریم:

n = طول ماتریس مقایسه زوجی A،

λ_{\max} = بزرگ‌ترین مقدار ویژه که همواره بزرگ‌تر یا مساوی n است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۳. ماتریس مقایسات زوجی معیارها نسبت به هم در روش FAHP

Table 3. Matrix of pairwise comparisons of criteria relative to each other in FAHP method

شفاف‌سازی تصمیمات Clarification of decisions	دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی Access to information flows	ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت Bilateral communication between the people and the government	معیارها Criteria
(4,5,6)	(0.166, 0.2, 0.25)	(1,1,1)	ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت
(7,8,9)	(1,1,1)	(4,5,6)	دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی
(1,1,1)	(0.111, 0.125, 0.142)	(0.166, 0.2, 0.25)	شفاف‌سازی تصمیمات
نرخ سازگاری: 0.0871 سازگاری ماتریس معیارها قابل قبول است.			

از آنجایی که نرخ سازگاری کمتر از ۰/۱ به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول هستند و نیازی به رفع ناسازگاری نیست.

جدول ۴. رتبه‌بندی نهایی معیارها در روش FAHP

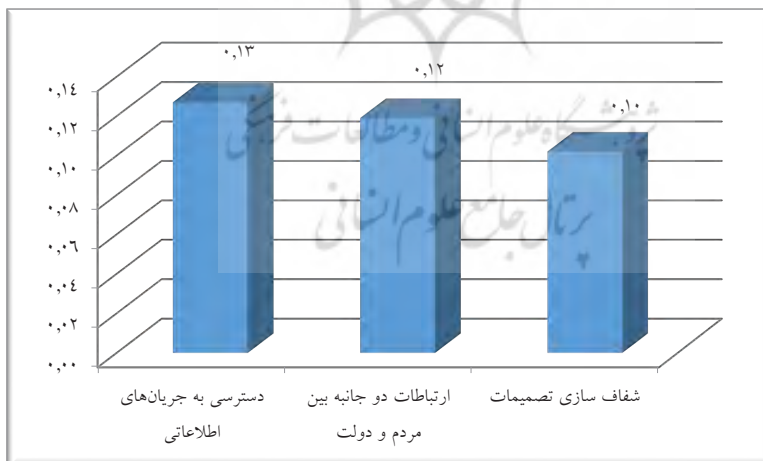
Table 4. Final ranking of criteria in FAHP method

رتبه Rank	معیارها Criteria	امتیازها Points
۱	دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی	0.127
۲	ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت	0.119
۳	شفاف‌سازی تصمیمات	0.102

جدول ۴ نشان‌دهنده رتبه‌بندی نهایی مؤلفه‌های اطلاعاتی و ارتباطی رویکرد حکمرانی خوب در اثرگذاری بر امنیت اجتماعی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین تأثیر بر توسعه امنیت در ایران، متعلق به دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی است. پس از آن، ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت و شفاف‌سازی تصمیمات قرار دارند.

نمودار ۱. رتبه‌بندی نهایی معیارها در روش FAHP

Figure 1. Final ranking of criteria in FAHP method



جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، بیشترین میزان تأثیر بر بهبود امنیت اجتماعی در ایران، متعلق به دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی است. پس از آن، ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت و شفاف‌سازی تصمیمات قرار دارند. واقعیت تکثر یافته امنیت به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن، امکان تعامل میان ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در درون یک ملت را فراهم ساخته است. از این حیث می‌توان گفت در دوران نوین، فضایی ایجاد شده است که اجزای یک فرهنگ در درون و بیرون از خط‌کشی‌هایی که در گذشته با نام ملت و با مرز تعریف می‌شدند، با یکدیگر در حال تعامل هستند. چنین اجزایی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. در این تعامل، فرهنگی می‌تواند بر جایگاه هژمون قرار بگیرد که از امکانات رسانه‌ای بیشتر و صدای بلندتری برخوردار باشد. در صورتی که صدای رسانه‌ای (برآمده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی) یک فرهنگ ضعیف باشد، قادر نیست اجزای گفتمانی خویش را به‌درستی مفصل‌بندی نماید و در نتیجه دچار مشکل خواهد شد؛ بنابراین، با هر تعریفی از نسبت میان فرهنگ‌ها (تعامل، ارتباط یا حتی جنگ)، جایگاه برتر متعلق به فرهنگی است که توانایی آن را داشته باشد که از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، استفاده بهینه‌تری نماید.

در ارتباط با مبانی نظری بیان‌شده، امنیت اجتماعی از نتایج فرعی جامعه مدنی است که در شرایط وجود سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. تشکل‌ها در شرایطی تأمین‌کننده امنیت اجتماعی هستند که عاری از روابط سلسله‌مراتبی و توزیع نابرابر قدرت میان اعضای آن باشند و رابط آرگانیک با سایر اجزای نظام اجتماعی داشته باشند (شفیعی و محقر، ۱۳۸۴: ۱۴). امنیت اجتماعی نیز در بستر یک حکمرانی خوب شکل می‌گیرد. شاخص‌هایی از قبیل آزادی و ثبات سیاسی، کارکرد دستگاه قضایی، سیستم بوروکراتیک و درجه فساد، مجموعه شاخص‌های توسعه انسانی، تخصیص عاقلانه ارزش‌ها، توجه به ساخت بخش غیردولتی، میزان و درجه استقلال بانک مرکزی، نرخ سود نسبت به سرمایه‌گذاری و ... را برای حکمرانی خوب ارائه کرده‌اند (هوتر و شاه، ۱۹۹۸: ۶). به همین دلیل در عصر حاضر که به‌هیچ‌عنوان دیگر نمی‌توان آن را خالی از فناوری‌های اطلاعاتی تصور کرد و نبود آن خلأ بزرگی به حساب می‌آید، لازم است تا از فناوری‌های اطلاعاتی برای تحقق این حکمرانی خوب استفاده کرد. زمانی که حکمرانی خوب

با به‌کارگیری ابزارها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی شکل می‌گیرد، نگرشی مثبت در مورد عملکرد دولت و شیوه‌های حکومت در بین اعضای جامعه به وجود می‌آید که تحقق این نگرش موجب می‌شود در بین شهروندان و اعضای جامعه احساس امنیت بالایی شکل گیرد؛ زیرا حکمرانی خوب مردم را صاحبان حق می‌داند که قدرت و اعمال اقتدار را به دولت واگذار می‌کنند تا با حکمرانی خوب، بهزیستی عمومی، توسعه پایدار انسانی و رضایت مادی و معنوی را به حداکثر برساند و از حقوق اساسی آنها از قبیل آزادی و گسترش دامنه انتخاب‌ها حمایت کند. بنا بر تعریفی که از حکمرانی خوب شده است، موضوع و محور حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد (دوله و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۶).

حکمرانی خوب بر اساس و پایه‌های مشارکت عمومی اعضای جامعه، شفاف‌سازی تصمیمات، پاسخگویی دولت‌ها، تساوی اعضای جامعه در بین قانون، مردم‌سالاری، آزادی‌های مدنی، دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی، ارتباطات دوجانبه بین مردم و دولت و ... شکل می‌گیرد. این موارد موجبات شکل‌گیری و تقویت امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ بنابراین در دولت‌های مدرن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موهبتی همچون حکمرانی خوب را برای دولت‌ها به همراه می‌آورد که این حکمرانی خوب منجر به افزایش میزان احساس امنیت اجتماعی در بین اعضای جامعه می‌شود؛ و این افزایش اعتماد است که امنیت را بالا می‌برد، همان‌طور که گیدنز ریشه اعتماد را در اطمینان به اشخاص درستکار و معتبر می‌داند و این به‌طور معمول از نخستین تجربیات کودک حاصل می‌شود. به نظر گیدنز، در صورت نبود اعتماد، کنش افراد بر اساس رویکردهای بدگمانی با خودداری است (گیدنز، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۷: ۱۱۹).

بر این اساس، مشخص است که نقش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در امنیت اجتماعی در ایران تا چه حد مهم و حیاتی است. فضای مجازی توانسته است جایگاه ویژه‌ای در تصویرسازی از امنیت اجتماعی به خود اختصاص دهد، یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد برخلاف تصور بسیاری از اندیشمندان، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در حکمرانی ایران از اعتبار مهمی برخوردار هستند.

حکمرانی خوب در دوران معاصر و در ادبیات توسعه ناظر بر تغییر نقش و کارکرد حکومت‌ها و دولت‌هاست. در بحث از حکمرانی خوب، حکومت نهادی

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

پاسخگو و تابع جریان آزاد اطلاعات شناخته می‌شود که با برداشت سنتی از حاکمیت که در نگاه فلاسفه و اندیشمندان مدرن مانند وبر یا هگل مطرح می‌شود، تفاوت فراوان دارد. البته باید توجه داشت که این تفاوت از دگرگونی در کار ویژه‌های حکومت‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه نوعاً ناظر بر تغییر در ابزار و ابعاد کار ویژه‌های آنهاست. برای مثال، وظایف دولت در قبال شهروندان همچنان به قوت خویش باقی است؛ اما به واسطه گسترش فناوری‌های نوین و تعمیق بحث حکومت و عملکرد آن، این نقش‌ها از یک سو گسترش یافته و از دیگر سو دارای مراجع اجرایی متعددی شده‌اند که همین امر اقتدار دولت را در تصمیم‌سازی و اجرای آن محدود می‌کند.

پیشنهادها و راهکارها

بر اساس یافته‌های پژوهش و نیز نقش فناوری‌های اطلاعاتی در توسعه حکمرانی خوب در اداره امور جوامع مختلف می‌توان به تحول مفهوم حکمرانی خوب در سایه کارکرد و بسط فناوری اطلاعات اشاره کرد. اگر بپذیریم که الگوی حکمرانی خوب می‌تواند نقطه عطفی در پاسخگویی در تناظر با انتظارات و مسئولیت‌های جدید باشد، می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی خوب چه به لحاظ مفهومی و چه به لحاظ کارکردی دگرگون شده است. مفهوم حکمرانی خوب که در مدل کلاسیک حکومت تا حد زیادی بستگی به اراده دولت‌ها و قوانین مدون سیاسی و اجتماعی داشت، امروزه در جریان جهانی شدن و بسط جریان ارتباطی و اجد ابزار نوینی شده که بیش از هر زمان دیگری امکان تحقق آن را در افق حیات سیاسی و اجتماعی بشر فراهم ساخته است. از این رو، تحول در ابزارهای تحقق حکمرانی خوب مانند دولت الکترونیک تحت تأثیر گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات است که موجب شده اولاً دولت و ابزار حاکمیتی آن همانند گذشته تنها ابزار موجود برای نیل به حکمرانی خوب نباشد و ثانیاً، دولت نیز در کنار جامعه مدنی و بخش خصوصی یکی از سه رکن دخیل در شناخت و تبیین و در نتیجه تحقق و اجرای این مفهوم باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، دولت‌ها در متن جوامعی قوی و با قابلیت نفوذناپذیری زیاد فعالیت می‌کنند که در مقابل استقرار نهادها و فرایندهای توسعه‌ای مقاومت می‌کنند. قوت جامعه در این معنا، بسیار متفاوت با الگوی کلاسیک و تحسین‌شده از مفهوم جامعه مدنی قوی است که در تعامل دوسویه

با دولت‌های قدرتمند، بنیان دموکراسی نهادینه را شکل داده‌اند. قدرت جامعه در این معنا به‌عنوان مانعی اساسی در مقابل شکل‌گیری ساختار دولت مدرن، استقرار نهادها و سازوکارهای لازم برای توسعه اقتصادی و سیاسی و شکل‌گیری شهروند عمل می‌کند. از این رو، نیاز است تا دولت با پذیرش این امر مهم، در جهت کوچک‌سازی فعالیت‌های خویش از طریق واگذاری آنها در بستر فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی اقدام نماید.

نتایج این بررسی نشان داده است دولت‌هایی با حجم بزرگ به دلیل عدم چالاکتی مناسب در برخی حوزه‌های مرتبط با امنیت اجتماعی، اقدام مناسبی انجام نداده‌اند بنابراین پیشنهاد می‌شود در حوزه نهادسازی نیز با ایجاد زنجیره تأمین، مرکز مفهوم‌سازی جدید، مرکز غنی‌سازی محتوا، مرکز نوآوری برنامه و سوژه‌سازی، اتاق فکر و مرکز پژوهش‌های راهبردی فناوری‌های ارتباطی، رگولاتوری، شورای عالی فضای مجازی، آزمایشگاه رسانه و همچنین پیوند با نهادهای اطلاعاتی، دانشگاه و صنعت، بخشی از آرایش جامع رسانه‌ای خود در قبال توسعه فناوری‌های ارتباطی محقق شود.

هرچند فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نقش مهمی در کاهش حجم دولت بر عهده بگیرند اما بخش عمده‌ای از کارکرد پیوند دادن گروه‌های مختلف که بسترساز امنیت اجتماعی است، می‌تواند بر عهده رسانه ملی قرار بگیرد.

یکی از کارکردهای رسانه برای کمک به تحقق حکمرانی خوب و در نهایت دستیابی به امنیت اجتماعی در میان‌مدت و بلندمدت، ایجاد دسترسی به جریان‌های اطلاعاتی است. به گونه‌ای که رسانه باید فارغ از سوگیری‌ها و بخش‌بندی‌ها بتواند اطلاعات و مسیرهای رسیدن به این اطلاعات را تسهیل نماید و در دسترس عموم قرار دهد.

منابع

- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی امنیت و کار ویژه‌های نیروی انتظامی. گزارش پژوهش پژوهش‌گده مطالعات راهبردی، تهران.
- دالگرن، پیترو. (۱۳۸۵). *تلویزیون و گستره عمومی؛ جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی* (ترجمه مهدی شفق). تهران: سروش.
- دماوندی کناری، علی؛ طباطبایی پناه، سیدعلی و صفوردی، سوسن. (۱۳۹۹). تبیین امکانات و ابزارهای رسانه‌های جمعی بر شکل‌گیری حکمرانی خوب در

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

جوامع در حال توسعه (با تأکید بر تجربیات جهانی). **مطالعات توسعه اجتماعی**
ایران، ۱۳ (۱)، ۶۱-۴۳.

دوله، فاطمه؛ سیفاللهی، سیفالله و زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۹۸). مطالعه
زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر. **علوم اجتماعی**
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۱۳ (۴۵)، ۱۵۴-۱۲۳.

رضایی، مسعود. (۱۳۸۸). نظریه‌های رایج درباره پذیرش فناوری‌های اطلاعات و
ارتباطات. **پژوهش‌های ارتباطی (پژوهش و سنجش)**، ۱۶ (۴)، ۹۳-۶۳.
روی، پل. (۱۳۸۲). معمای امنیت اجتماعی (ترجمه منیژه نویدنی). **مطالعات**
راهبردی، ۶ (۳)، ۷۰۸-۶۸۵.

شفیعی، حسن و محقر، علی. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی
پایدار. **مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی**، جلد ۳، تهران: معاونت
اجتماعی ناجا.

صوفی مجیدپور، مسعود. (۱۳۸۳). نظریه حکمرانی خوب به‌منزله سیاست
توسعه. **کتاب ماه**، ۸۷.

قلی پورسوته، رحمت‌اله؛ منوریان، عباس و الهیاری دوین، ملیحه. (۱۳۹۸).
طراحی مدل دولت الکترونیک در چارچوب اخلاقی حکمرانی خوب. **اخلاق در**
علوم و فناوری، ۱۴ (۲)، ۱۸۹-۱۸۶.

قوام، عبدالعلی و دهقان‌شاد، حوری. (۱۳۸۹). چگونگی استفاده از الگوهای ارتباطی
برای برقراری نظم و امنیت شهروندان. **نظم و امنیت انتظامی**، ۳ (۱).

کاظمی پور، شهلا. (۱۳۷۶). جمعیت و امنیت ملی. **مقالات ارائه شده در**
همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد ۲، تهران: وزارت کشور.

کاظمی، حجت. (۱۳۹۵). سیاست دیجیتال و تباهی سیاهی دولت‌های
ضعیف: تجربه انقلاب‌های عربی. **سیاست**، ۲۶ (۳)، ۷۲۶-۷۰۹.

کمالی، یحیی. (۱۳۸۸). حکمرانی خوب چیست؟. **تدبیر**، ۲۰۶، ۲۲-۲۰.
کوهن، جین. (۱۳۸۳). حوزه عمومی، رسانه‌ها و جامعه مدنی (ترجمه لیدا).
رسانه، ۳ (۵۹).

کین، جان. (۱۳۸۳). **رسانه‌ها و دموکراسی** (ترجمه نازنین شاه‌رکنی).
تهران: طرح نو.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). **پیامدهای مدرنیت** (ترجمه محسن ثلاثی). تهران:

مرکز.

- مور، ریچارد کی. (۱۳۸۳). دموکراسی و فضای سایبر (ترجمه عبدالرضا زکوت روشن‌دل). رسانه، ۳ (۵۹).
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. *مطالعات راهبردی*، ۱۹، ۷۶-۵۵.
- نیازی، محسن؛ رازقی‌مله، هادی؛ عقیقی، محمد و سلیمان‌نژاد، محمد. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی دلایل ترجیح رسانه‌ها در تلویزیون داخلی و خارجی با استفاده از روش تحلیلی سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) (مطالعه موردی: کارشناسان حوزه رسانه و شهروندان تهرانی). *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۵ (۹۵)، ۱۶۲-۱۳۱.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۶). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی* (ترجمه جمال محمدی). تهران: افکار.
- هاشمی، سیدعلی؛ شریف‌زاده، فتاح و سعدی، محمدرضا. (۱۳۹۹). نسبت‌سنجی حکمروایی خوب و شهروند هوشمند (مطالعه موردی: شهر تهران). *راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، ۹ (۳۴)، ۹۰-۶۷.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۳). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی* (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: علم.

Chiu, S.W. (2004). Good Governance or Muddling Through? Layoffs and Employment Reform in Socialist China. *Communist and Post-Communist Studies Journal*, 34.

Coleman, J. S. (2002). *Social Capital in the Creation of Human Capital*, In: Calhoun, C. and Others. Contemporary Sociological Theory. Oxford Blackwell, 110-125.

Habitat, S (2020). *Sovereignty Problematic*, Clombia: Clombia University Press.

Huther, J. & Shah, A. (1998). *Applying a Simple Measure of Good Governance to the Debate on Fiscal Decentralization*, 1998, Access. in: World Bank-free PDF.

Hyden, G. (2006). *African Politics in Comparative Perspective*. Cambridge University Press.

Kaufman, D.; Kraay, A. & Zoido-Lobaton, P. (1999). *Governance Matters', World Bank Policy Research Working Paper*, No. 2196, Washington, DC: World Bank.

Lorin, M. H. & Erick, B. (1997). *Information Technology and Internal Firm Organization: An Exploratory Analysis*, 14(9), 81-84.

جایگاه مؤلفه‌های
ارتباطی حکمرانی خوب
در بهبود امنیت اجتماعی
(با استفاده از رویکرد
تحلیل سلسله‌مراتبی
فازی (Fuzzy AHP))

Maldonado, N. (2010). **The World Bank's Evolving Concept of Good Governance & it's Impact on Human Rights**, Stockholm, 2010, Access. in: [http://web.worldbank.org/wbsite/ external/menaex](http://web.worldbank.org/wbsite/external/menaex).

Mazarr, M. (2002). **Information Technology and World Politics**, New York: Palgrave Macmillan.

